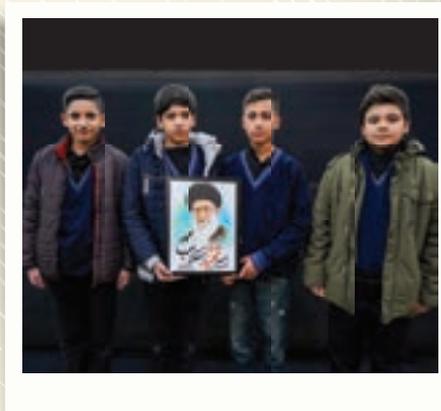


نوجوانان مسجدالرضا^(ع) با اجرای سرودهای حماسی در اجتماعات منطقه ۱۱ نقش آفرینی می کنند

آوای انتقام در چهارراه آزادشهر

فاطمه سیرجانی | جمعیتی انبوه در محدوده ضلع غربی بوستان ملت ایستاده اند. پرچم سه رنگ ایران بالای سرشان می چرخد. وانت آبی رنگی که چند سیستم صوتی بزرگ روی آن جانمایی شده است، گوشه خیابان و نزدیک به جمعیت پارک است. پخش موسیقی های حماسی برای لحظه ای قطع نمی شود. درست مقابل خیمه الحسینی^(ع) بوستان ملت، خودروسنگینی جانمایی شده که از آن به عنوان سن و محل اجرای برنامه های شبانه چهارراه آزادشهر استفاده می شود. شور مردم انقلابی را در این شب های ماه مبارک رمضان در این نقطه از شهر به خوبی می توانی احساس کنی. درست از روزی که خبر حمله ناجوانمردانه آمریکایی صهیونیستی به مدرسه دخترانه «میناب» و به دنبالش، خبر شهادت رهبر معظم انقلاب اسلامی منتشر شد، خون مردم محلات منطقه ۱۱ مانند همه ایران به جوش آمد و وارد عرصه شدند. در این میان نوجوانان مسجدالرضا^(ع) محله آزادشهر، پای ثابت این حضور پررنگ در منطقه شدند؛ نوجوانان غیرتمندی که با شنیدن خبر شهادت رهبر معظم انقلاب، زانوی غم به بغل گرفتند و لباس سیاه بر تن کردند. آن ها که جزو نوجوانان برتر محله هستند، عزم خود را جزم کردند تا پای کار بیایند و با اجرای شبانه سرودهای حماسی، پخش پرچم ایران، شابلون نویسی روی دیوار، ستون های محلات و خودروها و... نقشی در این جریان داشته باشند.



نوجوانان، خود جوش پای کار آمدند

دو ساعت به زمان اجرایشان مانده و مسجدالرضا^(ع) تقریباً خلوت است. به جز چند پیرمرد که گوشه و کنار مسجد به خواندن قرآن مشغول هستند، فرد دیگری حضور ندارد. بچه ها مشغول تمرین سرودهایی هستند که برای امشب باید اجرا کنند. مهدی هاشمی، مربی نوجوانان مسجدالرضا^(ع)، دو سالی می شود که با هدف کارکردن با نوجوانان محله در این مسجد فعالیت می کند. او در این مدت توانسته با برگزاری کلاس های علمی و برنامه های فرهنگی، نوجوانان بسیاری را جذب مسجد کند. تشکیل گروه سرود نوجوانان مهدوی مسجدالرضا^(ع) یکی از برنامه های این فعال فرهنگی محله آزادشهر است. هاشمی که ادامه تمرین را به خود بچه ها واگذار کرده است، درباره اجراهای شبانه در محل اجتماعات منطقه می گوید: شور و هیجانی که این شب ها در شهر حاکم است و عرقی که این بچه ها به وطن و علاقه ای که به رهبر شهیدشان دارند، زمینه ای فراهم کرد که اجراها از فضای مسجد به بیرون کشیده شود.

او از حرکت خود جوش بچه ها درست در شب اول شهادت رهبر می گوید که سیاه پوش و پرچم به دست به سمت چهارراه آزادشهر حرکت کردند. آن ها با شعارهای مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل، پای پیاده، خود را به محل تجمعی که از طریق فضای مجازی از آن مطلع شده بودند، رساندند.

هاشمی از تصمیم گروه به اجرای سرودهای حماسی می گوید و شب های اولی که امکانات چندانی نداشتند و گوشه ای از پیاده رو به صف می شدند و خود جوش شروع به خواندن می کردند. استقبال مردم حاضر در صحنه، این انگیزه و ذوق را به بچه ها داد تا شب ها، سرودهای بیشتر را برای اجرا آماده کنند.

او از زیاد شدن جمعیت در شب های بعدی و بهبود امکانات صوتی برای اجرای برنامه می گوید و ادامه می دهد: یکی از بهترین کارها برای اجرای برنامه، تعبیه سن مخصوص بود. وجود نورافکن ها و تأمین روشنایی، فضای خوبی مهیا می کرد. اجرای سن در مقابل جمعیت چند هزار نفری که دوربین به دست مشغول ثبت این لحظات هستند، برای بچه ها و حتی مابزرگ ترها حس خوشی دارد.

احسان هم از دیس های حلوا و خرما می می گوید که به پذیرایی بعد از اذان اضافه شده بود، خرما و حلوا می که از سوی اهالی در غم از دست دادن رهبر انقلاب به مسجد آورده می شد و بچه ها بین نمازگزاران توزیع می کردند.

نقش باور بر دیوارهای شهر

اعضای دوازده نفره گروه سرود، از روزی که خبر شهادت رهبر در فضای مجازی پیچید، از صبح تا پاسی از شب در مسجد و اجتماعات هستند و هرکاری از دستشان برآید، انجام می دهند. یکی با پخش تراکت و پرچم، عده ای با شابلون زدن روی خودروها و برخی با حضور دسته جمعی و گروهی در راهپیمایی و شعار دادن علیه متجاوزان به این خاک. محمد رضا فرقانی، سجاد هاشمی و امیرمحمد اصغر زاده سه تن از اعضای گروه سرود هستند که وظیفه شابلون زدن روی ستون ها و خودروها را بر عهده گرفته اند. محمد رضا فرقانی که تک خوان گروه سرود هم هست، می گوید: یکی دوروز بعد شهادت آقا از طرف پایگاه بسیج مسجد، شابلون نویسی روی ستون های محله و خودروها به ما پیشنهاد شد که از دل و جان قبول کردیم.

سجاد هاشمی در ادامه صحبت های محمد رضا می گوید: از ساعت ۳ ظهر شابلون ها را تحویل می گرفتیم. متنی که روی ستون ها و خودروها نقش می بست، این بود: «انتقام سخت»، با طرحی از تمثال رهبر شهیدمان. برای شابلون زنی روی خودروها هم ایستگاه اتوبوس روبه روی مسجد را انتخاب کرده بودیم.

با آنکه بعضی بچه ها هنوز به سن تکلیف نرسیده اند، همگی روزه می گیرند و با دهان روزه تا اذان شب و حضور در مسجد، کار را ادامه می دهند. امیرمحمد از رفتار مهربانانه برخی اهالی و آوردن سینی چای و کیک می گوید و اینکه نمی دانند بچه ها روزه هستند.

امیرمحمد ادامه می دهد: شعرهای روز اول، حماسی و با موضوع ایران بود. اما در روزهای بعد، شعرهایی در وصف رهبر شهید و توانایی نیروهای مسلح رسید که زود تمرین و اجرا کردیم. هرچه شعرها با فضای این روزها بیشتر مرتبط شد، مردم هم بهتر استقبال و در خوانش بیت های تکراری با ما همکاری می کردند.

سیاه پوشی مسجدالرضا^(ع) در عزای رهبر انقلاب

سرتاسر مسجد با پرده و پرچم به نشانه عزاداری بودن سیاه پوش شده است. بنر بزرگی از تمثال رهبر شهید آیت... سید علی خامنه ای در گوشه محراب دیده می شود. کنار آن میزی که روی آن پارچه سیاه انداخته شده است، قرار دارد و روی میز با قاب عکس رهبر شهید و دو چراغ شمع دانی روشن مزین شده است. احسان هاشمی، مهران حسینی، محمد حاج معانی و محمد طاها طاهری پایدار چهار نوجوان پرشوری هستند که قبل از شروع جنگ با شرکت در برنامه افطاری ساده در مسجد حضوری فعال داشتند. محمد می گوید: برنامه افطاری ساده بعد از نماز برای نمازگزاران با پذیرایی شیر و کیک یا خرما و در بیرون مسجد برای روزه داران رهگذر با چای و قند برنامه هر شب ماست. امروز که خبر شهادت رهبر عزیزمان را شنیدیم با همه اندوهی که به دلمان نشست بود و غمی که در دل داشتیم، از صبح به دنبال فضائاری مسجد رفتیم، یکی به دنبال پارچه سیاه رفت و یکی به دنبال چاپ بنری از عکس آقا. می دانستیم از آن شب، جمعیت بیشتری در مسجد جمع می شود و پذیرایی ما باید مفصل تر و ویژه تر باشد.

محمد طاها در ناله صحبت های دوستش رامی گیر و ادامه می دهد: سال های گذشته با نزدیک شدن به شب های قدر، به فضائاری مسجد پرداختیم و از شب پانزدهم به بعد، مسجد برای شهادت مولای علی^(ع) سیاه پوش می شد. اما امسال با شهادت آیت... خامنه ای، برنامه تغییر کرد و زودتر به استقبال این ایام رفتیم.